

فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۱۰۵
تابستان ۱۳۹۵، ۸۷-۶۵

واکاوی شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث*

دکتر محسن دیمه کار

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن

Email: mdeymekar@gmail.com

محمد مهدی باقری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق

Email: m.baqeri135@gmail.com

چکیده

شیخ مرتضی انصاری از بزرگ‌ترین فقیهان اصولی امامیه و یکی از چهره‌های علمی و فقهی قرون متأخر به شمار می‌آید. تسلط، ابتکار و ظرافت وی در مسائل اصولی و فقه روایی-استدلالی بجا مانده از وی موج می‌زند. در این میان تحقیقات ارزشمند وی پیرامون «نقد و بررسی سند حدیث» در میراث علمی وی که گویای تسلط و ابتکار وی در علم رجال و اصول نقد حدیث است از یک سو و اهمیت بازخوانی نظام فکری وی در عرصه فقه روایی به ویژه در ابعاد نقد سند حدیث و نیز جایگاه امروزی روش‌شناسی در علوم، ضرورت پژوهش در این عرصه را بیش از پیش نمایان می‌سازد. لذا این نوشتار که با تتبع بسیار و به روش توصیفی-تحلیلی در آثار اصولی و فقهی شیخ انصاری سامان یافته، به دنبال ارائه روش‌شناسی اندیشه نظام‌مند شیخ انصاری در «شیوه‌های نقد سند حدیث» در فقه روایی-استدلالی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که توجه به ویژگی شخصیتی راویان (همچون اصحاب اجماع، مشایخ الثقات، مروی عنه احمد بن محمد بن عیسی، بنی فضال)، توجه به اضممار حدیث، بررسی اتصال سند، اشاره به مجهول بودن راوی، توجه به اشتراک راویان، انجبار ضعف سند از مهم‌ترین شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث بشمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: شیخ انصاری، نقد سند، اصحاب اجماع، انجبار ضعف سند، شهرت روایی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۲/۱۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.

مقدمه

شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ق) از بزرگ‌ترین فقیهان اصولی امامیه و یکی از نامورترین و پرآوازه‌ترین فقها و مراجع عالیقدر تقلید در عصرهای اخیر، و یکی از چهره‌های علمی و فقهی قرون متاخر به شمار می‌آید. آثار گرانقدری که در مباحث اصول و فقه از وی برجای مانده به خوبی گویای ابتکار بسیار وی در طرح مسائل ظریف اصولی و فقهی است. تحقیقات ارزشمند وی پیرامون «شیوه‌های نقد سند حدیث» بخشی از تلاش‌های علمی وی در عرصه فقه روایی است که حکایت از تسلط و ابتکار وی در علم رجال و اصول نقد سند است که ضرورت پژوهش در این عرصه را بیش از پیش نمایان می‌سازد. لذا در این نوشتار تلاشی صورت گرفته تا با تتبع در آثار اصولی و فقهی شیخ انصاری و بررسی مواضع ضعف سند در آن آثار، اندیشه نظام‌مند شیخ انصاری در «نقد سند حدیث» در فقه روایی-استدلالی را در قالب روش شناسی ارائه دهد. تتبع و بررسی در میراث علمی شیخ انصاری گویای این است که وی در در نقد سند حدیث از شیوه‌های زیر بهره برده است:

توجه به ویژگی شخصیتی راویان: اصحاب اجماع

«اصحاب اجماع» اصطلاحی در علم رجال است که مراد از آن هجده نفر از اصحاب معصومانند که کشی در مورد تصدیق و تصحیح روایات آنان از منظر امامیه ادعای اجماع کرده است: گروه اول: شش نفر از اصحاب مشترک امام باقر و امام صادق (ع): زرارة، معروف بن خربوذ، برید، ابو بصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی، که فقیه‌ترین آن‌ها را زراره ذکر می‌کند. البته برخی به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی (لیث بن بختری) را ذکر کرده‌اند (کشی، ۲۳۸). گروه دوم: شش نفر از اصحاب امام صادق (ع): جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان و ابان بن عثمان (همان، ۳۷۵). گروه سوم: شش نفر از اصحاب مشترک امام کاظم (ع) و امام رضا (ع): یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی بیاع سابری، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، البته برخی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را ذکر کرده‌اند، برخی نیز به جای ابن فضال، عثمان بن عیسی را ذکر نموده‌اند (همان، ۵۵۶). ثمره این مبنای رجالی در روش حدیثی شیخ انصاری در نقد سند روایات مرسل و مجهول و دیگر موارد آشکار می‌شود.

بررسی موردی:**۱. روایات مرسل**

أ- وی در باب «الأغسال المستحبة» به استناد به اقوال برخی فقیهان امامی و روایات متعددی قائل به

استحباب غسل جمعه شده که یکی از این روایات روایت مرسل «یونس بن عبدالرحمن» از امام صادق (ع) می‌باشد که در آن آمده است: «الغسل فی سبعة عشر موطنه منها الفروض ثلاثة فقلت جعلت فداک ما الفروض منها قال غسل الجنابة و غسل من غمیل میتة و الغسل للإحرام» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱/۱۰۵؛ همو، الإستبصار، ۱/۹۸). که وی به صورت «مرسلة یونس المجمع علی تصحیح ما یصح عنه» از این روایت یاد کرده (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۳/۳) که به خوبی بیانگر این است که اگرچه روایت یونس مرسل است لکن او از اصحاب اجماع بوده لذا ارسال سند ضرری به اعتبار آن وارد نمی‌کند و می‌توان در این باب به این روایت نیز استناد کرد.

ب- در مسائل مربوط به نماز احتیاط به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرده که سند آن به صورت «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن علی بن حدید عن جمیل عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله (ع)» می‌باشد (کلینی، ۳/۳۵۳-۳۵۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲/۱۸۴-۱۸۵). شیخ انصاری می‌نویسد: «لکن فی طریقها «علی بن حدید» و مع ذلك فهي مرسلة، و إن كان المرسل هنا «جمیلا» در واقع ابتدا به وجود «علی بن حدید» در سند اشاره و سپس تصریح می‌کند که با این تحلیل روایت مرسل می‌شود و حتی با وجود اینکه مرسل روایت، «جمیل بن دراج» می‌باشد این روایت مرسل (ضعیف) است و در ادامه ضعف این روایت را با شهرت منجبر می‌داند (انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۵۶). لازم به ذکر است که دیدگاه وی در اینجا مبنی بر ضعف روایت به دلیل مرسل بودن آن با وجود اینکه «جمیل بن دراج» در سند روایت وجود دارد با دیدگاه وی مبنی بر پذیرش قاعده اصحاب اجماع و مشایخ الثقات منافاتی ندارد زیرا شرط بکارگیری این قاعده در نگاه قائلان این دیدگاه، این است که سند به صورت صحیح به یکی از اصحاب اجماع به ویژه به یکی از مشایخ الثقات برسد و در این صورت ارسال سند پس از این افراد و نیز نقل از راوی مجهول و مهمل خدشه‌ای به اعتبار سند وارد نمی‌سازد و به تعبیر شیخ انصاری موجب بی‌نیازی از تشخیص وضعیت رجالی مروی عنه ایشان می‌شود. لکن در سند این روایت «علی بن حدید» پیش از «جمیل بن دراج» قرار دارد و شیخ طوسی در «الاستبصار» و «التهذیب» «علی بن حدید» را ضعیف و متفردات روایی او را غیرقابل اعتماد دانسته (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱/۱۰۷؛ همو، الإستبصار، ۳/۹۵). کشی نیز به نقل از «نصر بن صباح» او را فطحی دانسته است (کشی، ۵۷۰؛ حلی، الخلاصة، ۲۳۴). بر این اساس سند این روایت به صورت ضعیف به «جمیل بن دراج» رسیده و به نظر می‌رسد به همین دلیل شیخ انصاری در این فراز قاعده اصحاب اجماع و مشایخ الثقات را بکار نبرده است.

۲. راویان غیر امامی

أ- وی در خصوص وقت نماز صبح به روایات متعددی نقل کرده که در این میان روایتی از «موسی بن

بکر» از زراره از امام باقر (ع) وجود دارد که حضرت فرمود: «وقت صلاة الغداة ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس» (طوسی، تهذیب الأحكام، ۳۶/۲؛ الإستبصار، ۲۷۵/۱). که شیخ انصاری ضعف این روایت را با شهرت و حکایت اجماع از کتاب «السرائر» و موافقت با اصل منجبر دانسته و سپس تصریح می‌کند که این روایت اگرچه در سند آن «موسی بن بکر» وجود دارد لکن راوی او «عبد الله بن المغيرة» بوده که وی از اصحاب اجماع است (انصاری، کتاب الصلاة، ۱۰۶/۱). لازم به ذکر است که در برخی کتب رجال «موسی بن بکر» واقفی ذکر شده است (طوسی، رجال، ۳۴۳؛ حلی، الخلاصة، ۲۵۷). البته طریق شیخ طوسی در «الفهرست» به موسی بن بکر، «أخبرنا ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن الصنفار عن إبراهيم بن هاشم عن ابن أبي عمير عن موسى بن بکر. ورواه صفوان بن يحيى عن موسى بن بکر» نشان دهنده این است که دو نفر از مشایخ الثقات از موسی بن بکر روایت کرده‌اند که با توجه به شناختی که از مبانی نقد سندی شیخ انصاری داریم می‌توان با وجود چنین پشتوانه‌ای این فرد را مورد اعتماد در نقل محسوب نمود (طوسی، الفهرست، ۴۵۳).

ب- وی درباره حد حصول محرمیت در مسأله «رضاع» به موثقة «زیاد بن سوقة» از امام باقر (ع) استناد کرده (طوسی، تهذیب الأحكام، ۳۱۵/۷؛ الإستبصار، ۱۹۲/۳-۱۹۳). و سپس به لحاظ سندی به وجود «عمار بن موسی ساباطی» در این سند اشاره کرده و سپس در مقام دفاع از اعتبار این روایت به دلایل گوناگونی اشاره کرده از قبیل اینکه شیخ طوسی به عمل اصحاب به روایات وی تصریح کرده علاوه بر اینکه در سند این روایت حسن بن محبوب وجود دارد که از اصحاب اجماع است و نیز اعتضاد روایت به عمل اصحاب و موافقت با کتاب (انصاری، رسالة فی الرضاع، ۳۶۶-۳۶۷؛ همو، کتاب النکاح، ۳۰۳-۳۰۴). وی در ادامه مباحث نکاح به این روایت اشاره کرده و به اعتبار روایات «عمار بن موسی» در نزد اصحاب، که شیخ در عدة الأصول نقل کرده، معترف گردیده است (طوسی، العدة، ۱۵۰/۱-۱۵۱). و نیز به دلیل اینکه راوی وی به واسطه هشام بن سالم، حسن بن محبوب که از اصحاب اجماع است، سبب قوت سندی دانسته است (کتاب النکاح، ۳۱۰-۳۱۱). لازم به ذکر است که در برخی کتب رجال «عمار بن موسی» فطحی ذکر شده (کشی، ۲۵۳؛ طوسی، الفهرست، ۱۱۷؛ حلی، الخلاصة، ۲۴۳). نجاشی وی را در روایت ثقه دانسته است (نجاشی، ۲۹۰). شیخ طوسی نیز در مورد «عمار بن موسی» در «تهذیب الأحكام» می‌نویسد: جماعتی از اهل نقل، عمار بن موسی را ضعیف دانسته و تصریح کرده است که روایاتی که وی در نقل آن متفرد باشد به آن عمل نباید کرد. زیرا وی فطحی بوده، شیخ طوسی در ادامه با وجود این امر او را در نقل ثقه دانسته که بدین ترتیب، از لحاظ وثاقت در نقل بر او اشکالی وارد نیست (طوسی، تهذیب الأحكام، ۱۰۱/۷؛ همو، الإستبصار، ۹۵/۳).

۳. اشتراک راوی

ا- وی در مسأله «من رکع بعد الشک فيه فتبين إتيانه» در بحث شکوک که مصلی یک رکن را در اتیان و یا عدم آن شک نموده و سپس آنرا براساس قاعده می‌آورد در حالیکه بعد از آن آشکار می‌شود که آنرا انجام داده بوده است، قائل به بطلان نماز شده. شیخ انصاری این حالت را داخل در اطلاق روایاتی دانسته که دلالت بر بطلان نماز به زیادت می‌کند مانند روایت حسنة زراره و بکیر ابني أعین- به دلیل وجود ایراهیم بن هاشم- و روایتی از ابوبصیر و روایتی از منصور بن حازم، وی در ادامه در میان مباحث نقد سندی خویش در این روایات با عبارت «أما اشتراک «أبی بصیر» فلا یضو بعد کون الراوی عنه «أبان بن عثمان» الذی أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنه» اشتراک «أبی بصیر»^۱ را مضر به اعتبار سند ندانسته پس از احراز این مطلب که راوی وی «أبان بن عثمان» از اصحاب اجماع می‌باشد (انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۶۱-۶۲).

ب- شیخ انصاری در مسأله ورود به نماز با طهارت ترابیه و یافت شدن ماء حین اشتغال به آن، به روایتی از صحیح زراره استناد نموده است که تا قبل از رکوع می‌بایست رجوع نماید که برخی از علمای امامیه بر آن نیز فتوا داده‌اند. که به لحاظ موید شدن فتوای شیخ و روایت زراره، خبری از «عبدالله بن عاصم» وجود دارد و براساس آنچه شیخ انصاری از قول صاحب مدارک از علامه حلی در «المعتبر» ابراز داشته است «محمد بن حمران أشهر فی العلم و العدالة من عبد الله بن عاصم، فتكون الرواية صحیحة» توثیق آنرا می‌توان نتیجه گرفت. از سوی دیگر با وجود روایتی به ظاهر متعارض از «محمد بن حمران»، به نظر می‌رسد آنچه که در مورد ابن حمران نجاشی توصیف نموده است مطابق ابن حمران نهدی که شیخ طوسی نیز او را کوفی معرفی نموده، بوده باشد (نجاشی، ۳۵۹؛ طوسی، رجال، ۳۱۳). و با آنچه که شیخ طوسی در الفهرست نقل نموده و او را محمد بن حمران بن اعین معرفی نموده می‌تواند متفاوت باشد. (طوسی، الفهرست، ۴۱۸) شیخ انصاری به دلیل آنچه که از محقق نقل شده و همچنین وجود «بزنطی» از اصحاب اجماع در ترفیع سندی روایت قائل به ترجیح آن بر روایت ابن عاصم شده، در حالیکه به نظر می‌رسد این نکته از نظر شیخ مغفول مانده است که روایت اصلی و مورد استناد فقهای نامبرده شده روایتی از زراره است که با روایت «ابن عاصم» تقویت گردیده و بنابراین باتوجه به اینکه زراره افقه طائفه اول از اصحاب فقهای امامیه است و همچنین در طریق اسناد وجود محمد بن احمد (یا احمد بن محمد) هم وجود دارد می‌توان گفت که قول شیخ طوسی و دیگران مبنی بر تشخیص به النهدی، به واقع نزدیک‌تر است

۱ مشترک میان «لیث بن بختری مرادی» مشهور به وثاقت و میان «یحیی بن قاسم اسدی» که گفته شده وی واقعی و ضعیف است (رک: شهید ثانی، ۵۰/۸)

(انصاری، کتاب الطهارة، ۳۸۱/۵-۳۸۲). در سند این روایت «.. أحمد بن محمد بن أبی نصر البزنطی قال حدثنی محمد بن سماعة عن محمد بن حمران..» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۳/۱؛ همو، الإستبصار، ۱۶۶/۱). محمد بن سماعة بین «محمد بن سماعة بن مهران» ضعیف، و بین «محمد بن سماعة بن موسی» ثقة مشترک است. چنین وضعیتی برای «محمد بن حمران» نیز وجود دارد (نجفی، ۲۴۱/۵؛ موسوعة الإمام الخوئی، ۳۷۴/۱۰-۳۷۵).

۴. اعتماد به اصحاب اجماع غیر امامی

أ- در بحث مشغول شدن به برخی از اجزای صلاه با وجود مشغول شدن به مقدمات فعل دیگر به روایت موثقی از «ابان بن عثمان» اشاره کرده و در ادامه چنین بحث می‌کند که موثقه بودن آن به دلیل این است که گفته شده که «ابان بن عثمان» ناووسی بوده و منشأ این قول نقل قول کشی از «علی بن الحسن بن فضال» است (کشی، ۳۵۲). که به قول «علی بن الحسن بن فضال» مبنی بر ناووسی بودن ابان هم اعتمادی نخواهد بود، زیرا علی بن حسن بن فضال نیز غیر امامی است (اگر مبنا بر رد روایات غیر امامی باشد). و از طرفی محقق اردبیلی او را قادسی (از اهل قادسیه) و نه ناووسی نام نهاده است به علت در دسترس داشتن نسخه‌ای از کشی که اینگونه درج گردیده است و البته منشأ این اشتباه را تصحیف در نسخ احتمال داده (اردبیلی، مجمع الفائدة، ۳۲۳/۹). علاوه بر اینکه وی از اصحاب اجماع است (کشی، ۳۷۵). و اینکه راوی عنه «ابان»، «بزنطی» است که وی نیز از اصحاب اجماع است و احتمالاً شیخ انصاری صحیح دانستن (پنداشتن) این روایت در نظر نویسنده «المدارک» را از برخی دلایل مطالب مذکور فهم کرده باشد (انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۹۵-۹۶). بر این اساس شیخ انصاری اعتبار این موثقه را بالاتر می‌داند که می‌توان به آن اعتماد نمود. ولی برخلاف آنچه که کشی نقل نموده، شیخ طوسی در «الفهرست» خویش با توجه به نسخه کوفین اینگونه اظهار می‌دارد که راوی عنه ابان بن عثمان، شخصیت برجسته‌ای از مشایخ الثقات به نام «احمد بن محمد بن ابی نصر» است که علاوه بر این، چنین سندی در رساله ابوغالب زراری نیز آمده است (طوسی، الفهرست، ۴۸). اما بر طبق نسخه قمیون با کمی اختلاف علاوه بر ابن ابی نصر، ابن عیسی هم آمده که این سند هم مویدی در کتاب المغازی دارد (همان، ۴۹). نجاشی نیز این مطلب را آورده است (نجاشی، ۱۴؛ انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۹۵-۹۶).

ب- نمونه بعدی در بحث مربوط به اوقات نافله ظهرین که آیا می‌توان بر فرض ادای فریضه و باقی ماندن زمان برای نافله آنرا اداء به جا آورد یا اینکه قضا بایستی نیت شود؟ اعتماد به موثقه «عثمان بن عیسی» اشاره‌ای است به این احتمال که وی از اصحاب امام رضا (ع) بوده و ممکن است که از اصحاب اجماع محسوب شود چه آنکه میان وی و «حسن بن علی بن فضال» اختلاف است (رک: کشی،

۵۵۶). و از طرفی روایات صحیح‌های با همین مضمون نیز صادر گردیده است مثلاً صحیح‌ه محمد بن احمد بن یحیی (طوسی، تهذیب‌الأحكام، ۲/۲۴۹؛ الاستبصار، ۱/۲۵۴؛ کتاب‌الصلاة، ۱/۱۲۳-۱۲۴؛ برای مشاهده نمونه بعدی رک: أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۰۹-۱۰۰).

۵. راویان مورد اختلاف مانند مفضل بن عمر

أ- شیخ انصاری در احصاء نمودن مطهرات به هنگام مطرح نمودن این مطلب که الارض، توانایی طاهر نمودن باطن نعل و قدم را دارد در فرعی به این مطلب اشاره می‌کند که آیا ادله شامل اراضی راطبه می‌شود یا نه و ایشان با توجه به اطلاق دو روایت مذکور به این نتیجه رسیده است که شامل هر دو مورد خواهد شد و چنین حکمی البته خلاف ظاهر روایتی است که خصوص اراضی یابس را مد نظر دارد و در دفاع از ادله به هنگام خدشه وارد نمودن در سند یکی از این دو روایت به دلیل وجود راویانی که در حد صحیح نبوده مانند «مفضل بن عمر» (محمد بن إدريس نقلًا من نوادر أحمد بن محمد بن أبي نصر عن المفضل بن عمر عن محمد الحلبي عن أبي عبد الله ع) (ابن ادریس، ۵۵۵؛ حرعاملی، الوسائل، ۳/۴۵۹). می‌نویسد: «الأولى منقولة عن نوادر البيهقي وهو حسن لا يروى إلا عن ثقة، و من أصحاب الإجماع، فالأولى نسبة القصور إلى الدلالة» در واقع موضع شیخ انصاری هم در میان اقوال متعدد در مورد شخصیت روایی مفضل به نوعی محتاطانه است و اظهار نظر رسمی ننموده، چه آنکه با یک قاعده متممی به نام مشایخ الثقات و یا اصحاب اجماع سعی در ترمیم وجه ضعف احتمالی این فرد نموده است (انصاری، کتاب‌الطهارة، ۱/۳۰۵). لازم به ذکر است که نجاشی او را فاسد المذهب خوانده و چون مضطرب الروایه است نمی‌توان به او اعتماد نمود، حتی روایتی را که از او نقل خبر نموده‌اند را هم به این وصف متصف نموده (نجاشی، ۴۱۶). شیخ طوسی نیز تنها به وصف ملاقات داشتن با امام صادق (ع) بسنده کرده (طوسی، رجال، ۳۴۳). البته شیخ طوسی در «الغیبه» او را از قوام ائمه و ستایش شده نزد آنان دانسته، که وحید بهبهانی این را نشانگر عدالت مفضل بن عمر دانسته (طوسی، الغیبه، ۳۴۵-۳۴۶). وحید بهبهانی در ادامه قول نجاشی و دیگران در مورد او را که خطابی خوانده‌اند را به بازگشت از این عقیده و مستبصر شدن او طبق اخباری توجیه نموده است. کشی هم هر دو وجه ضعف و قوت وی را بازگو نموده است (وحید بهبهانی، تعلیقه علی منهج المقال، ۳۴۰).

۶. احتمال مهمل بودن راوی

أ- شیخ انصاری در ادامه مباحث پیرامون وقت نماز ظهر به روایتی از شیخ طوسی از امام صادق (ع) استناد کرده که سند آن از این قرار است: «ووی أحمد بن محمد بن عیسی عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الضحاک بن زید عن عیبد بن زواوة عن أبي عبد الله ع» (طوسی، تهذیب‌الأحكام، ۲/۲۵). وی در

خصوص سند این روایت می نویسد: «لیس فی سند هذه الرواية من يتوقف في شأنه سوى الضحاک بن زید، و الظاهر أنه أبو مالک الحضرمی الذی حکى فيه عن النجاشی أنه ثقة ثقة... و مما یؤید وثاقته، بل یدل علیه: رواية البنظلی عنه، و حکى عن الشيخ فی العدة فی شأن البنظلی أنه لا یروی إلا عن ثقة، هذا کله مضافا إلى أن تقدم البنظلی علیه یغنی عن تشخیص حاله، حیث إن البنظلی ممن حکى إجماع العصابة علی تصحیح ما یصح عنه، فلا حاجة إلى ملاحظة من بعده، علی ما هو أحد معانی هذه العبارة» (انصاری، کتاب الصلاة، ۴۶/۱).

ب- وی به هنگام بررسی ادله موجود در مورد وقت صلاه العشاء به روایتی از شیخ طوسی از محمد بن عیسی از یونس از یزید بن خلیفة از امام صادق (ع) اشاره کرده (کلینی، ۲۷۹/۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۱/۲-۳۲؛ همو، الإستبصار، ۲۶۷/۱) و سپس این روایت را به دلیل وجود «یزید بن خلیفة» ضعیف دانسته و تصریح کرده که «و إن کان الراوی عنه «یونس» الذی حکى إجماع العصابة علی تصحیح ما یصح عنه، لأن الراوی عنه «محمد بن عیسی» الذی حکى عن الصدوق و شیخه ابن الولید: عدم الاعتداد بما یرویه عن «یونس» مع أن فی هذا الإجماع کلاما» هرچند که راوی وی (یزید) «یونس» باشد که از اصحاب اجماع بوده زیرا راوی خود یونس، «محمد بن عیسی» است که به گفته نجاشی از شیخ صدوق و استادش ابن الولید، عدم اعتماد به روایات «محمد بن عیسی» از «یونس» را گزارش کرده است. علاوه بر اینکه در این اجماع تأملی وجود دارد (نجاشی، ۳۳۳؛ انصاری، کتاب الصلاة، ۱۰۰/۱-۱۰۱). این فراز از عبارت شیخ انصاری (قائل به تأمل گردیدن در قاعده اصحاب اجماع) نشان می دهد که پایندی به اصحاب اجماع منوط به این است که سند، به صورت صحیح به اصحاب اجماع برسد در این صورت فحص حال مروی عنه اصحاب اجماع ضرورت ندارد. مؤید این مطلب آنجاست که شیخ انصاری در ارتباط با روایتی با سند «علی بن ابیوهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن رجل عن أبی عبد الله ع» (کلینی، ۳۵۸/۳-۳۵۹؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳۵۲/۱-۳۵۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۵۴/۳) این روایت را مرسل، و به عدم خلاف در این مسأله منجبر دانسته اما اشاره ای به قاعده اصحاب اجماع نکرده است که گویی این قاعده را با توجه به گزارش ابن الولید، در چنین سندی روا نمی دارد (انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۳۸). به تعبیر روشن تر علی رغم وجود راوی از اصحاب اجماع و مشایخ الثقات در سلسله روایتی سند حدیث قبل از «یزید بن خلیفة» برای ترمیم ضعف احتمالی حدیث، باز هم روایت خالی از ضعف نخواهد بود. چرا که برطبق قول ابن الولید به آنچه که «محمد بن عیسی بن عبید» از «ابی نصر» نقل می نماید نمی توان اعتماد کرد. لکن نجاشی در ادامه تصریح کرده که اصحاب ما این مطلب (عدم اعتماد) را انکار کرده اند و گفته اند که چه کسی همچون «محمد بن عیسی» در میان ساکنان

بغداد وجود دارد (نجاشی، ۳۳۳).

توجه به ویژگی شخصیتی راویان: مشایخ الثقات

این مطلب ناظر به دیدگاه وی در خصوص اصحاب اجماع و مشایخ الثقات است که وی بر این باورست که مشایخ الثقات به جز از ثقات نقل حدیث نمی‌کنند. توضیح اینکه شیخ طوسی در «عدة الاصول» درباره تعارض دو روایت می‌نویسد: «اگر یکی مسندا روایت را نقل نموده باشد و دیگری مرسلا که اینجا برخلاف همیشه اگر مرسل از کسانی بوده باشد که جز از ثقة نقل روایت نکند در اینجا روایت او نیز در حکم اعتبار مسند باشد بنابراین هیچ ترجیحی برای خبر دیگری بر خبر او نیست لذا دانشمندان امامی بین روایات محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر و دیگر ثقات که جز از ثقة روایت نمی‌کنند، و بین روایات مسند دیگران قائل به تساوی شده‌اند (طوسی، ۱۵۴/۱). لذا به صراحت سه تن از ایشان را ثقة دانسته که منشأ قاعده‌ای در علم رجال گردیده است. بر اساس این قاعده، مراسیل «محمد بن ابی عمیر»، «صفوان بن یحیی» و «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی» در حکم مسانید است (طوسی، ۱۵۴). ناگفته نماند این قاعده بیشتر در مورد سه نفر مذکور در بین علماء امامیه شهرت یافته است، همچون ابن طاوس (جمال الأسبوع، ۴۱۹)، شهید اول (۳۴۲/۲). شیخ بهایی (مشرق الشمسین، ۳۲؛ همو، الحاشیة علی من لایحضره الفقیه، ۳۶)، ابن فهد حلی در المهدب البارع، علامه حلی در نهاییه الوصول و سید بحر العلوم در شرح الوافی به نقل از محدث نوری (خاتمة المستدرک، ۱۲۲/۵)، مجلسی اول (روضة المتقین، ۵۵۶/۲؛ همو، لوامع صاحبقرانی، ۲۴۵/۱) محقق سبزواری (کفایة الأحکام، ۴۹۱/۱) و حیدر بهبهانی (مصاییح الظلام، ۲۴۶/۵ و همو، بی تا، ۲۸/۱). احمد نراقی (مستند الشیعة، ۵۰/۱۵) صاحب جواهر (نجفی، ۲۷۵/۶) مجلسی نیز قاعده مذکور را پذیرفته و از این قاعده به مثابه یک مبنای رجالی در نقد سند استفاده نموده است (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۴/۸۷؛ مرآة العقول، ۳۴۱/۷). ثمره این دو مبنا در نقد سند روایات مرسل و مجهول و دیگر موارد زیر آشکار می‌شود.

بررسی موردی:

۱. مجهول بودن مروی عنه

أ- شیخ انصاری در «رسالة فی الوصایا» در ارتباط با مسأله‌ای پیرامون وصیت به روایتی از مشایخ ثلاثه از بزنی از احمد بن زیاد از ابوالحسن (ع) اشاره کرده (کلینی، ۲۰/۷؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۲۱۳/۴-۲۱۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۲۲/۹-۲۲۳). وی می‌نویسد: «هی و ان کان (فیها ضعف) من حیث السند عند المشهور بأحمد بن زیاد، إلا أنه لا یقدح علی طریقتنا فی أخبار الآحاد»

لازم به ذکر است که وی پس از بیان نام بزنی عبارت «الذی لایروی إلا عن ثقة» را آورده لذا به نظر می‌رسد که ضعف این سند را با توجه به مبنای رجالی درباره مشایخ الثقات غیر مضر دانسته است (انصاری، رساله فی الوصایا، ۷۸-۷۹). در ضمن «احمد بن زیاد خزاز» طبق آنچه که شیخ طوسی توصیف نموده واقفی است (طوسی، رجال، ۳۳۲). علامه مجلسی نیز این روایت را مجهول ارزیابی کرده است (مرآة العقول، ۲۳/۳۳). برای مشاهده نمونه دیگر رک: انصاری، کتاب الصلاة، ۴۴/۱-۴۶؛ کتاب الطهارة، ۲۴۳/۱).

۲. روایت مقطوع

۱- شیخ انصاری در مواجهه با با تعدادی از روایات و فتوای برخی از فقها به هنگام قرائت سوره و عدول از آن به سوره دیگر، حکم به جواز، البته به جز دو سوره توحید و کافرون نموده است؛ البته تا زمانی که مصلی به نصف سوره نرسیده باشد که این فرع و حکم در مورد آن اختلافی است و شیخ انصاری با استناد به روایتی از قرب الاسناد و همچنین روایتی از دعائم الاسلام که عبارت الی بلغ النصف در آن ذکر گردیده «چنین حکمی را صادر نموده و در ادامه به روایتی از محمد بن مکی شهید در «الذکری» به نقل از کتاب بزنی از ابی العباس «فی الوجمل یرید أن یقرأ الفسورة فیکرأ فی آخری قال یوجع إلی التی یرید و إن بلغ الفصف» (شهید اول، ذکری الشیعة، ۳/۳۵۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ۱۰۱/۶) اشاره کرده است. شیخ انصاری در ادامه می‌نویسد: «و ضعف سنده لا یقده بعد إیراد البزنی له الذی لا یروی المسندات إلا عن ثقة، فکیف یروی ما لم یقطع باسناده إلی الإمام (ع)» شیخ انصاری در مورد این مقطوعه با رویکردی محتاطانه از قاعده مشایخ الثقات بهره برده است و ایشان، بزنی را عامل جبرانی آنچه که ممکن است در ضعف این نوع از احادیث وارد باشد را معرفی نموده‌اند (انصاری، کتاب الصلاة، ۴۳۲/۱-۴۳۵). در کتب فقهی دیگر نیز تصریح به مقطوعه در خصوص این روایت آمده است (محقق کرکی، ۲۸۱/۲؛ شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۷۱۸؛ سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ۲/۲۸۱؛ فیض کاشانی، معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، ۳/۴۸). نسخه‌هایی که شیخ یوسف بحرانی از «الذکری» در اختیار داشته نیز مطابق به نقل شیخ انصاری است که به نحو مقطوعه می‌باشد (بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۱۰/۸). در این میان آیه‌الله خویی علاوه بر مقطوع بودن، ارسال سند را مشکل دیگر این روایت دانسته به این دلیل که طریق کتاب «الذکری» به کتاب بزنی روشن نیست (موسوعة الإمام الخوئی، ۳۵۰/۱۴). لکن در «هدایة الأمة» نوشته شیخ حرعاملی تصریح به سنل (ع) شده (حرعاملی، هدایة الأمة، ۳/۳۸). مجلسی نیز در بحار این روایت را از «ذکری» با تصریح «عن ابی عبدالله (ع) آورده است (مجلسی، بحار الأنوار، ۶۱/۸۲). به هر روی شیخ انصاری در این فراز از منظر طریق اولویت به مبنای رجالی مشایخ الثقات نگریسته و می‌نویسد:

بزنطی که روایات مسند را به جز از ثقة نقل نمی‌کند به طریق اولی چگونه ممکن است روایتی را که به إسناد آن به امام (ع) یقین نداشته باشد، نقل کند.

۳. اشتراک مروی عنه

کاربرد قاعده «لا یروی إلا عن ثقة» درباره راوی مشترک هم در آثار شیخ انصاری مشهود است، به عنوان نمونه در مساله صلاه جماعت و شرایط آن که می‌بایست خلفیت مامون تحقیق پیدا کند به روایتی از صفوان بن یحیی از «محمد بن عبد الله» استناد کرده که در سند این روایت «محمد بن عبدالله» از اسامی مشترک است، موجب گردیده که شیخ انصاری در تحلیل و ارزیابی خویش، این روایت را به دلیل اینکه راوی عنه‌اش یعنی صفوان که از مشایخ الثقات است، بپذیرد (طوسی، التهذیب، ۲۸۲/۳؛ انصاری، کتاب الصلاة، ۵۷۸/۲ - ۵۷۹).

۴. روایت مرسل مراسیله کالمسانید

أ- شیخ انصاری در مساله وقت صلاه المغرب به عدم خلاف میان فقها بر غروب شمس اشاره نموده است؛ منتهی به لحاظ مصداقی در تحقیق غروب؛ با توجه به اختلاف مبانی فقها که برخی غیبوبه الشمس را مبنا قرار داده‌اند و برخی دیگر که البته شیخ انصاری هم از این قول حمایت می‌کند؛ ذهاب حمرة مشرقیه را اول وقت صلاه مغرب قرار می‌دهند که مبنای روایی این فتوا بدین قرار است: روایت اول از ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) قال: «وقت سقوط القوس و وجوب الإفطار أن تقوم بحذاء القبلة و تفقد الحمرة التي توضع من المشرق فإذا جازت قمة الوأس إلى ناحية المغرب فقد وجب الإفطار...» (کلینی، ۲۷۹/۳ و ج ۱۰/۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۸۵/۴). که دو اشکال عمده بر سند این روایت توسط ناقدان را اینگونه پاسخ می‌دهد اولاً با توجه به آنچه که شیخ طوسی در کتاب رجال خویش، سهل بن زیاد را از اصحاب امام هادی (ع) خوانده و او را توثیق نموده (طوسی، رجال، ۴۱۶) قدح وارده بر راوی را مردود شمرده و همچنین کثرت در نقل مشایخ از اصحاب روایت از سهل را شیخ انصاری قرینه‌ای بر وثاقت او خوانده و ثانیاً ضعف دیگر که مربوط به ارسال روایت می‌شود را هم با توجه به وجود اجل‌های از مشایخ روات به نام ابن ابی عمیر، بر اساس قاعده مراسیله کمسانیده تقویت نموده است و دلیل دیگر هم بر ترجیح این خبر مربوط به مرجحات دلالتی آن می‌گردد که به علت شهرت در مضمون روایت و فتوای اصحاب براساس آن صدور این خبر تقویت می‌گردد (حلی، المعبر، ۵۱/۲؛ انصاری، کتاب الصلاة، ۷۰/۱ - ۷۲).

ب- شیخ انصاری در ادامه روایت پیشین پیرامون وقت نماز مغرب، به روایتی از امام باقر (ع) استناد کرده که حضرت فرمود: «إذا غابت الحمرة من هذا الجانب یعنی من ناحية المشرق فقد غابت الشمس من شوق الأوض و من غربها» (طوسی، التهذیب، ۲۹/۲). سپس به «القاسم بن عروة» مورد تأمل در سند آن

اشاره کرده لکن با توجه به اینکه راوی وی ابن‌ابی عمیر و نیز بزنتی (در برخی از روایات) بوده اشکال سندی از ناحیه وی را وارد ندانسته و تصریح کرده شاید به همین دلیل این روایت در «المختلف» صحیح تلقی شده یعنی اینکه آن را در حکم صحیح دانسته است، شیخ انصاری در ادامه گوید: در غیر این صورت وجهی [برای تلقی به صحت این روایت] برای آن سراغ ندارم (انصاری، کتاب الصلاة، ۷۰/۱-۷۲). البته بایستی اذعان داشت که «قاسم بن عروه» در کتب رجالی تضعیف نگردیده و حتی برای او کتابی هم ذکر شده است (نجاشی، ۳۱۵؛ طوسی، الفهرست، ۳۷۲). در این مورد خاص ابن‌داوود، ممدوح بودن وی را فهم نموده که البته آیه‌الله خویی این چنین استظهاری را رد نموده است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۶/۱۴-۲۷).

توجه به ویژگی شخصیتی راویان: مروی عنه احمد بن محمد بن عیسی

در مباحث توثیقات عامه، توثیق افرادی که احمد بن محمد بن عیسی از ایشان نقل کرده یکی از مسائل رجالی است. برخی بر این باورند که از آنجا که ابن‌عیسی، احمد بن محمد بن خالد برقی را به جرم روایت از ضعاف از قم اخراج نموده این امر گویای التزام وی به عدم روایت از شخص ضعیف است و دلیلی است بر اینکه ابن‌عیسی، «لایروی إلا عن ثقة» به جز از ثقة روایت نمی‌کند. از برخی عبارات شیخ انصاری برداشت می‌شود که وی به این مطلب باور داشته است. برای نمونه‌های مختلفی که شیخ انصاری در فقه روایی استدلالی خویش از آن بهره برده می‌توان به شخصیتی چون «علی بن حدید» رجوع کرد که اعتماد به آنچه که نقل نموده محل تامل است و شیخ انصاری معتقد است با وجود ابن‌عیسی به عنوان راوی عنه او این نقیصه بر فرض ثبوت هم برطرف خواهد شد (انصاری، کتاب الطهارة، ۲۴۳/۵-۲۴۴) مثال دیگر «داود الصرمی» (انصاری، کتاب الصلاة، ۸۱/۱-۸۳؛ کتاب الطهارة، ۴۰۹/۴-۴۱۰) مثال دیگر «علی بن حکم» (انصاری، رسالة فی الرضاع، ۳۷۰-۳۷۱). البته آیه‌الله خویی روایت نمودن ابن‌خالد برقی از ضعاف را قدحی برای شخصیت روایی وی محسوب نداشته است چه آنکه هنگامی در شخصیت روایی یک فرد این وصف، خلل وارد می‌سازد که روایت از ضعاف کثیر باشد و به نوعی بی‌موالاتی به امر حدیث را نشان دهد نه اینکه در معدود مواردی از ضعفا نقل نموده که ممکن است براساس امارات و قرائن مفید به صدق ایجاد شده باشد، حتی خود ابن‌عیسی هم در مواردی از ضعفایی چون علی بن حدید، محمد بن سنان، اسماعیل بن سهل و بکر بن صالح نقل روایت نموده است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۶۹/۱-۷۰). آیه‌الله شبیری زنجانی نیز بر این باور است که هر چند مشهور است که احمد بن محمد بن عیسی، برقی را به خاطر روایت از ضعفاء از قم بیرون کرد ولی این مطلب صحیح نیست، و از بدفهمی عبارت ابن‌غضائری در

ترجمه برقی ناشی شده است، ابن‌غضائری گوید: «طعن القمیون علیه، و لیس الطعن فیه، انما الطعن فی من یروی عنه، انه کان لا یبالی عمن أخذ علی طریقة اهل الاخبار، و کان احمد بن محمد بن عیسی ابعدہ عن قم، ثم اعاده الیها و اعتذر الیه» (ابن‌غضائری، ۱۳۸/۱). برخی گمان کرده‌اند که «کان احمد بن محمد بن عیسی ابعدہ عن قم» به جهت «فانه کان لا یبالی..» بوده، در حالی که این‌ها به هم ربطی ندارند، بلکه علت اخراج برقی از قم اتهام غلو بوده است. چون در روایات وی، مضامینی دیده‌اند که آن را غلو دانسته‌اند و خودش را هم غالی خیال کرده‌اند و به جهت حساس بودن مسأله او را اخراج کرده‌اند. بنابراین ما دلیلی نداریم که احمد بن محمد بن عیسی تنها از ثقات روایت می‌کند و اصلاً از هیچ راوی ضعیفی روایت نکرده است (زنجانی، کتاب‌نکاح، ۲۰۱/۱-۲۰۲).

توجه به ویژگی شخصیتی راویان: کتب بنی فضال

یکی دیگر از مبانی رجالی شیخ انصاری وثاقت افرادی است که بنوفضال از آن‌ها نقل روایت کرده‌اند به دلیل روایتی از امام حسن عسکری (ع) که درباره کتب بنی فضال فرمود: «خذوا ما رووا، و ذروا ما رأوا» (طوسی، الغیبة، ۳۸۹-۳۹۰). که این امر گویای «حجیة کل روایة کانت صحیحة الی بنی فضال» است. برداشتی که شیخ انصاری از روایت امام حسن عسکری (ع) نموده استغنائی برای مجتهد ایجاد می‌کند که دیگر از بررسی روات موجود در سلسله اسناد بعد از بنو فضال بی نیاز می‌گردد که در موارد زیر مشاهده می‌شود:

ا- در مورد اوقات الصلاة شیخ انصاری به مرسله داود بن فرقد اشاره کرده و با عبارت «إرساله غیر قادم بعد وجود ابن فضال الذی ورد الأمر- فی بعض الأخبار المعتبرة- بالأخذ بکتبه و روایاته و کذا کتب أولاده أحمد و محمد و علی و روایاتهم» ضعف این روایت را به علت وجود ابن فضال پوشش داده و در مورد شخصیت ابن فرقد، نجاشی به هنگام توصیف نمودن وی از ابن فضال که راوی عنه او بوده است به عنوان یکی از ادله وثاقت وی نقل قول ثقة بودن را نموده است (نجاشی، ۱۵۹: قال ابن فضال: داود ثقة ثقة؛ انصاری، کتاب الصلاة، ۸۱/۱-۸۳).

ب- شیخ انصاری در ارتباط با یکی از مسائل فقهی نکاح به روایتی از امام باقر (ع) استناد نموده ﴿«علی بن الحسن عن عبد الرحمن بن أبی نجران و سندی بن محمد عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن أبی جعفر قال قضی فی رجل نکح أمة ثم وجد طولاً یعنی استغناء..» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۵۳/۷). و به منظور ترمیم وجه ضعف احتمالی که در مورد محمد بن قیس (به عنوان راوی مشترک) مطرح شده است منقوله امام عسکری (ع)، در مورد بنوفضال را عامل جبرانی معرفی نموده و از

طرفی هم شیخ انصاری در کتاب اصولی خویش همانگونه که نجاشی در ادامه توصیف رجالی اش آورده، احتیاط شدید راویان و ناقلان عصر متقدم را اماره‌ای بر وثاقت و متحرز شدن از کذب آن‌ها شناخته است و در ضمن به عملکرد تاریخی «ابن حسن بن علی بن فضال» می‌پردازد که هیچ روایتی را مستقیم از پدرش نقل ننموده و تنها از برادرانی که از وی بزرگ‌تر بوده و در زمان حیات پدر آشنا به فنون حدیث و عارف به وجوه مختلفه صدور روایت بوده‌اند، نقل نموده است (انصاری، فرائد الأصول، ۱/۱۶۸؛ نجاشی، ۲۵۷-۲۵۸). و همچنین قرینه دیگری مبنی بر وثاقت «ابن فضال»، نقل مستقیم شیخ طوسی از این فرد نشان از اعتمادش به ابن فضال است. در واقع شیخ طوسی با نگره داری کتاب علی بن الحسن آن را کتابی ارزشمند شناخته و به هنگام بیان اسناد روایت، بدان تمسک کرده است (انصاری، کتاب النکاح، ۴۷۳-۴۷۴). علی بن حسن بن علی بن فضال، با تعابیری چون فطحی ثقه الورع فی دینه شناخته شده؛ و بنا بر گزارشات رجالی، در حدیث متبحر بوده و احتیاط و وسواس شدید در ثبت و ضبط و نقل احادیث داشته است (نجاشی، ۲۵۷-۲۵۸).

توجه به اضمار حدیث

بر اساس اعتقاد شیخ انصاری مبنی بر شکل‌گیری انواع پدیده‌های انحرافی حدیثی همانند اضمار، قطع و ارسال و... در سیر تطوری تاریخی اقتباس احادیث شاهد هستیم که به منظور تدوین و مبوب سازی دقیق روایات، از جوامع کهن و دست اول حدیثی بنام اصول اربعمئه و یا کتب نوادر ماثور و یا انواع کتبی با نام یوم وليله‌هایی که محصول نوشتار مستقیم اصحاب از معصومان می‌باشد توسط صاحبان کتب اربعه انجام می‌گرفته است. اما آنچه که در بازخورد علما و فقهای که تقیدی خاص به ماثورات و جوامع روایی امامیه داشته‌اند، اینگونه از انحرافات را خللی در استناد احکام به اخبار نمی‌دانند (رک: انصاری، الاجتهاد و التقليد، ۲۶۵-۲۶۶).

أ- شیخ انصاری در مساله‌ای پیرامون تکفین میت به روایت مضمري از جمیل بن دراج استناد کرده (کلینی، ۱۵۲/۳-۱۵۳). و سپس به دلیل احتمال ضعف، به اضمار در سند آن اشاره کرده لکن در ادامه می‌نویسد: «لا یقدح الإضمار من جمیل؛ فإن إضماره خیر من إظهار غیره، مع أنها معتضدة فی الجملة بروایة یحیی بن عبادة المتقدمة المروية عن معانی الأخبار بطریق صحیح کما قیل» که گویای این است که مضمیر بودن حدیث از جمیل خلدشه‌ای به سند وارد نمی‌سازد. در واقع اعتضاد روایت به نقل آن به طریق صحیح (دیگر) توسط یحیی بن عباده را شیخ انصاری در مساله تکفین میت مدعی گردیده است گرچه به نظر می‌رسد شیخ انصاری طریق صحیحی را که در مورد روایت یحیی بن عباده آورده از صاحب جواهر

بوده و خود ارزیابی رجالی نموده است (نجفی، ۲۴۱/۴). در مجموع اگر هم قرینه اعتضادیه (حدیث ابن عباده) را به حساب نیاوریم شیخ انصاری به دلیل وجود افقه طایفه اول از اصحاب اجماع یعنی جمیل آن را حتی از مسندات و مظهرات دیگر راویان ارزشمندتر دانسته است (انصاری، کتاب الطهارة، ۳۵۸/۴).

ب) از آنچه که شیخ انصاری در فرع فقهی مربوط به طاهر شدن با آب پاک از حدث مستند روایی خود قرار داده است روایتی هم مضموم و هم مرسل است که راوی آن «العیص بن القاسم» نه از مشایخ الثقات بوده و نه حتی از اصحاب اجماع؛ علاوه بر این، از توصیفات رجالی که در مورد وی آمده است وثاقت وی بطور مستقیم هم احراز نشده و صرفاً طریق روایی او مورد بازگویی شیخ طوسی واقع شده است (طوسی، الفهرست، ۳۴۷). و عمل شیخ انصاری در این مورد خاص بازگو کننده پذیرش احادیث با نگاه جذب حداکثری است. گرچه از دلایل پذیرش روایت مضموم بازگردانی به یک روایت مسند است چه آنکه آوردن اسم شریف معصوم در اول بحث حاکی از آن است که در ادامه هنگام نقل قول توسط عیص مقصود خود امام است گرچه علت حذف نام شریف امام را به هنگام مبوب سازی و تدوین کتب حدیثی پدیده تقطیع آنرا در جوامع روایی محذوف داشته است (انصاری، کتاب الطهارة، ۳۲۱/۱-۳۲۲).

بررسی اتصال سند

أ- یک از روایاتی که شیخ انصاری در ارتباط با اعاده نماز در صورت شک در نماز صبح و مغرب به آن استناد نموده، صحیحۃ علاء از امام صادق (ع) است «سألته عن الرجل يشك في الفجر قال يعيد قلت المغرب قال نعم والوتر والجمعة من غير أن أسأله» (طوسی، تهذیب الأحكام، ۱۸۰/۲) وی در ادامه تصریح می‌کند که موردی در این روایت نیست مگر اینکه «الحسین بن سعید» از «فضالة بن أيوب» روایت کرده و حال آنکه او را ندیده است. البته به واسطه برادرش «الحسن بن سعید» از «فضالة بن أيوب» نقل می‌کند، گرچه «الحسن بن سعید» ثقة می‌باشد لکن ممکن است که در اینجا واسطه غیر او باشد بنابراین روایت مرسل خواهد شد. شیخ انصاری در ادامه می‌نویسد: لکن ظاهر گویای این است که واسطه در اینجا همان «الحسن بن سعید» باشد با توجه به سخن نجاشی از ابوالحسین بن البغدادی که گوید: الحسين بن يزيد الشوراني به ما گفت: همانا همه روایاتی که «الحسن بن سعید» از «فضالة» نقل می‌کند، آن‌ها را به واسطه برادرش از «فضالة» نقل می‌کند (نجاشی، ۳۱۱؛ انصاری، أحكام الخلل في الصلاة، ۵۵-۵۶).

ب- نمونه دیگری که از تحلیل‌های شیخ انصاری که بیانگر تفکر وی در اصول نقد سندی اخبار می‌توان استخراج نمود مربوط به بحث فقهی بیان شروط امامت جماعت است؛ در واقع شیخ انصاری روایت را از مرحوم صاحب حدائق که او نیز از کتاب کشی نقل نموده، اینگونه بیان می‌نماید: «الکشی عن

آدم بن محمد عن علی بن محمد عن أحمد بن محمد بن عیسی عن یعقوب بن یزید عن أبیه یزید بن حماد عن أبي الحسن ع قال قلت له أصلي خلف من لا أعرف؟ فقال لا تصلح إلا خلف من تشق بدینه...» (کشی، ۴۹۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ۳۱۹/۸). بر اساس بازنگری رجالی در اسناد این روایت به ترتیب «آدم بن محمد قلانسی بلخی» که بنا به قولی از فرقه مفوضه بوده (طوسی، رجال، ۴۰۷؛ ابن داود، ۴۱۴؛ حلی، الخلاصة، ۲۰). «علی بن محمد» که شیخ طوسی او را کثیر الروایه توصیف نموده است (طوسی، رجال، ۴۲۹؛ ابن داود، ۲۵۰). «احمد بن محمد بن عیسی»؛ در مورد وی کمتر می توان مناقشه نمود. «یعقوب بن یزید بن حماد» که شیخ طوسی او را کاتب و به همراه پدرش از ثقات معرفی نموده است (طوسی، رجال، ۳۶۹). همچنین علامه حلی هم با دو وصف فوق در معرفی او کوشیده و علاوه بر آن در مورد پسرش، او را از اصحاب امام رضا (ع) دانسته و البته کسانی هم قائل اند به این که از اصحاب امام جواد (ع) است؛ و در ادامه گزارش رجالی آمده، او را به بغداد منتقل نموده اند (حلی، الخلاصة، ۱۸۳-۱۸۶). با این توصیفات و آگاهی شیخ انصاری بدین مطالب، تبعاً حدیث به علت وجود علی بن محمد بلخی که وثاقتش احراز نگردیده است، جزء احادیث ضعیف طبقه بندی می شود؛ بنابراین شیخ سعی در ترمیمی موجه ضعیف سندی به خاطر ثبت ملاقات صاحب کتاب رجال الکشی (بن عبد العزیز) با یزید بن حماد؛ این تلقی را در شیخ انصاری به وجود آورده که گونه ای از علو اسنادی را این روایت دارا خواهد بود که تبعاً نیاز به واری اسناد حدیث نخواهد داشت «و لا یضو فی صحه هذه الروایة بعد لقاء الکشی لیزید بن حماد؛ لارتفاعه باحتمال أخذہ الروایة عن کتابه المقطوع الانتساب، و مع قابلية الإسناد فلا اعتناء باحتمال الإرسال» (انصاری، کتاب الصلاة، ۵۵۶/۲-۵۵۸).

اشاره به مجهول بودن راوی

مجهول بودن راوی مربوط به جایی است که راوی به نامی مشخص در کتب رجالی شناخته نشده و یا وصف خاصی از سوی رجال شناسان برایش مبین نشده است. شیخ انصاری با توجه به ابتکاری که انجام داده است به طور مطلق هر آنچه که از احادیث در میان روات آن فردی با این نام و وصف موجود باشد را جزء احادیث ضعیف طبقه بندی نمی کند بلکه توسط قرائن موجود در سند آن حدیث را قابل استناد می شمارد.

أ- در مساله مجهول الحال بودن شهود به لحاظ عدالت و فسق از باب قضاء و شهادات راوی بنام سلمه بن کهیل که دستورات حضرت امیر المومنین به شریح قاضی در باب قضاء است را نقل نموده (کلینی، ۴۱۳/۷). در مورد روایت مورد بحث باب شهود که آیا برای این مطلب حتماً لازم است که همگی عادل

باشند یا فساق نیز می‌توانند این امر را بجا آورند ولی در مورد مجهول الحال، بحث اختلافی است. روایت مورد استناد شیخ انصاری در این باب فقهی به لحاظ مبنایی بحثی مشابه هم در علم حدیث و رجال در مورد اخبار آحاد مطرح می‌شود که آیا توصیفات رجالی که در مورد روات انجام می‌پذیرد از باب شهادت است که برای پذیرش آن نیاز به شروط مشابه مثل عدالت و یا نیاز به تعداد خاص در مورد شهود داشته باشد یا نه؟ که شیخ انصاری به وضوح از بیان رای خود ابا می‌نماید (انصاری، فرائد الاصول، ۷۸/۱). لکن در منش اجتهادی خویش در استدلال بر موضوعات مختلف فقهی که از لابلای آثار وی مشهود است به نظر بر این امر (شرایط لازم در تحقق شهادت) تکیه نداشته و قول فرد رجال شناس را بدون نیاز بدین شرایطی می‌پذیرد. در این مورد خاص، شیخ انصاری این روایت را به لحاظ سندی مورد مذاقه قرار نداده‌اند و آنرا بر فرض صحت در بحث فقهی خود وارد نموده و البته با بررسی رجالی انجام شده، این فرد از خواص حضرت امیرالمومنین (ع) محسوب گردیده ولی برخی نیز او و راوی عنه او را «ابی المقدم» از فرقه بتریه خوانده‌اند (انصاری، القضاء و الشهادت، ۱۲۴-۱۲۷).

ب- در نمونه بعدی شیخ انصاری به روایت (کلینی، ۲۲۳/۵؛ التهذیب، ۷۹/۷). مورد استناد صاحب حدائق اشاره نموده (بحرانی، الحدائق، ۵۷/۱۹). و مجهول بودن راوی منهال القصاب را هم ابراز داشته لکن در کتب رجالی فقط طبقه او مشخص است (در زمان حیات امام صادق ع) و اینکه از اهالی کوفه به شمار می‌رود (برقی، ۴۴) لکن شیخ انصاری وجه استشهاد صاحب حدائق به حدیث را در مورد خیار الرویه پذیرفته است (انصاری، کتاب المکاسب، ۲۴۵/۵-۲۴۷). به تعبیری سند حدیث را که در آن راوی مجهول بوده، مورد جرح و تعدیل قرار نداده است.

توجه به اشتراک روایان

أ- شیخ انصاری در ارتباط با احکام آب به روایتی از قرب الإسناد «ماء الحمام لا ماء الحمام لا ینجسه شیء» (قرب الإسناد، ۱۲۸). اشاره کرده و در ادامه این روایت را مقید به روایتی از بکر بن حبیب «ماء الحمام لا یلّس به إذا كانت له مادة» (کلینی، ۱۴/۳). دانسته و در ادامه پس از اشاره به دیدگاه صاحب مدارک مبنی بر جهالت وی، می‌نویسد: لکن ظاهر چنین است که او همان «بکر بن محمد بن حبیب» است که ظاهر عبارت نجاشی و تصریح علامه در الخلاصة نیز چنین است، ابن داود نیز از کشی وثاقت او را نقل کرده است علاوه بر اینکه در طریق سند، صفوان بن یحیی وجود دارد و ضعف آن با عمل انجبار می‌یابد (انصاری، کتاب الطهارة، ۹۹/۱-۱۰۰).

ب- شیخ انصاری در حکم مصلی که نماز را به اکمال رسانده و در چهار رکعت و پنج رکعت آن شک نموده است همان حکمی را نموده که برای کسی که هنوز به اتمام نرسانده است؛ می نماید. که مستند ایشان، صحیح حلی و روایت عبدالله بن سنان و همچنین روایت ابابصیر است. که بحث رجالی و نقد سندی مفصل و کم نظیری را با توجه به گستره تالیفات خویش، در این مورد انجام می دهد. نحوه ورود شیخ انصاری در بررسی سند این روایت بدین شکل است که در گام نخست ابابصیر را مورد مذاقه قرار می دهد و می نویسد که: ابا بصیر؛ اسدی است نه لیث ثقه و نه یوسف بن حارث از فرقه بتریه و در گام بعدی احتمالات مصداقی شخصیت اسدی را بررسی می کند و زوایای قضیه را چه مربوط به گزارشات خاص رجالی و چه در مقام اثبات که تحلیل و تمییز مصداق مورد نظر در لسان روایات را کاملاً ارزیابی نموده بدین بیان که یا عبدالله بن محمد؛ الاسدی است و یاد احتمال دیگر امکان صدق یحیی بن قاسم؛ بر فرد مورد نظر را می سنجد. که این گمانه را به علت مروی عنه واقع شدن برای شعیب به واقع نزدیک تر می داند. در مورد بازشناسی شخصیت شعیب هم؛ او را ظاهراً ابن یعقوب العرقومی می داند که موید این ادعا راوی عنه اوست؛ که بنام حماد بن عثمان (عیسی) در نزد رجالیون شناخته می شود. شیخ انصاری با این تحلیل که یحیی بن قاسم در سند روایت مورد بحث، همان اسدی توصیه شده در روایتی از امام صادق (ع) است؛ یحیی را موثق علی الظاهر شمرده است «... عن ابن ابي عمير عن شعيب العرقومى قال قلت لأبي عبد الله ع وبما احتجنا أن نسأل عن الشيء فمن سأل قال عليك بالأسدي يعني أبا بصير» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۲/۲۷؛ انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۶۲؛ کتاب الصوم، ۶۸-۶۹؛ کتاب الطهارة، ۴۰۹/۲؛ رک: انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۴۸-۴۴/۱؛ کتاب النکاح، ۴۷۳-۴۷۴). از جمله قرائنی که شیخ انصاری را مجاب به پذیرش روایت نموده است، اشاره به طریق کشی است که حماد (از اجله و اصحاب اجماع) به عنوان راوی عنه شعیب محسوب می شود و همین باعث تقویت سند بر فرض ضعف شعیب خواهد بود لکن در طریقی که شیخ حرعاملی آورده است ابن ابی عمیر راوی عنه او است که البته شخصیت ایشان حتی بالاتر از حماد است. نجاشی به هنگام معرفی «شعیب بن یعقوب» وی را خواهر زاده «یحیی بن قاسم» و از لفظ ثقه عین برای او استفاده نموده و البته طریقی که کشی برای یعقوب معتقد است را ذکر نموده است (نجاشی، ۱۹۵؛ طوسی، الفهرست، ۲۳۵؛ همو، رجال، ۲۲۴ و ۳۳۸؛ کشی، ۴۴۲).

شیخ انصاری در برخی از موارد که سند روایت را ضعیف ارزیابی می‌کند به منظور جبران ضعف سند به قرائنی استناد می‌نماید که در ذیل به سه مورد شهرت روایی، إجماع منقول و تلقی به قبول شدن روایت از منظر امامیه اشاره می‌شود:

أ- در ارتباط با تفاوت «حیض» و «قرحة» به روایتی از کلینی و شیخ طوسی اشاره کرده که این روایت مرفوع و مقطوع بوده (کلینی، ۹۴/۳-۹۵؛ طوسی، ۳۸۵/۱-۳۸۶؛ حرعاملی، ۳۰۷/۲). لذا از روایات مرسل و ضعیف و به لحاظ متنی نیز مضطرب بشمار می‌رود. شیخ انصاری در ادامه به دیدگاه فقهائی چون محقق حلی و صاحب مدارک که این روایت را به دلیل مقطوع و مضطرب بودن طرح کرده و بر آن عمل نکرده‌اند (محقق حلی، ۱۹۹/۱؛ عاملی، ۳۱۸/۱). اشاره کرده و در بخش سندی دیدگاه خویش، درباره این روایت تصریح می‌کند: «ضعف این روایت به دلیل مرسل بودن، شایسته نیست که تأملی در انجبار آن به دلیل شهرت آن میان اهل روایت و فتوی بشود، بنابراین اشکالی از حیث سند در این روایت وجود ندارد» (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الطهارة، ۱۴۳/۳). برای مشاهده نمونه‌های دیگر از انجبار به شهرت در آثار شیخ انصاری رک: کتاب الطهارة، ۱۵۹/۳؛ کتاب الصلاة، ۲۹۲/۱ ج ۷۴/۲، ۲۴۵ و ج ۱۰۲/۳؛ أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۸۲، ۲۰۵؛ کتاب الصوم، ۱۱۷؛ کتاب الزکاة، ۳۰؛ القضاء و الشهادات، ۴۷).

ب- در ادامه مباحث مکاسب محرمه به حرمت «نجش» اشاره کرده و دلیل آن را روایتی نبوی دانسته که در آن نجش و منجوش لعنت شده‌اند و در آن نهی «لاتناجشوا» وجود دارد (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۲۸۴؛ حرعاملی، ۴۵۹/۱۷). و ضعف آن به اجماع منقول از «جامع المقاصد» و «المنتهی» مبنی بر حرمت نجش انجبار می‌یابد (حلی، ۳۱۵/۱۵؛ محقق کرکی، ۳۹/۴). نجش عبارت است از: نجش، افزودن بر قیمت کالا، بدون قصد خرید تا دیگران بشنوند و به خاطر افزایش او بر آن بیفزایند حال چه با هماهنگی و یا بدون هماهنگی با فروشنده باشد (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب المكاسب، ۶۱/۲-۶۲؛ برای مشاهده نمونه‌های دیگر از انجبار ضعف سند حدیث به اجماع منقول در آثار شیخ انصاری رک: انصاری، کتاب الطهارة، ۱۰۶/۴-۱۰۷ و ص ۴۰۱-۴۰۲ ج ۱۹۵/۵-۱۹۷؛ کتاب الصلاة، ۲۸۶/۱ ج ۲۷۷/۲ و ۳۴۱ و ۳۵۲-۳۵۳؛ کتاب الصوم، ۱۳۷؛ کتاب الزکاة، ۷۶-۷۷ و ۱۵۶ و ۲۹۶-۲۹۷؛ کتاب المكاسب، ۲۷۴/۱؛ کتاب النکاح، ۲۲۱-۲۲۲ و ۳۹۳-۳۹۴).

نتیجه‌گیری

۱. توجه به ویژگی شخصیتی راویان (همچون اصحاب اجماع، مشایخ الثقات، مروی عنه احمد بن محمد بن عیسی، بنی فضال)، توجه به اضمار حدیث، بررسی اتصال سند، اشاره به مجهول بودن راوی،

توجه به اشتراک راویان، انجبار ضعف سند از مهم‌ترین شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث بشمار می‌آید.

۲. شیخ انصاری از قاعده رجالی اصحاب اجماع در ابعاد گوناگونی چون بررسی روایات مرسل، راویان غیر امامی، اشتراک راوی، اعتماد به اصحاب اجماع غیر امامی، راویان مورد اختلاف مانند مفضل بن عمر، احتمال مهمل بودن راوی استفاده کرده است. از سوی دیگر وی قاعده مشایخ الثقات را به عنوان قاعده‌ای جدا از قاعده اصحاب اجماع لحاظ کرده و در مواردی چون مجهول بودن مروی عنه، روایت مقطوع، اشتراک مروی عنه، روایت مرسل مراسیله کالمسانید از این قاعده بهره برده است.

۳. بکارگیری قواعدی رجالی چون قاعده اصحاب اجماع، مشایخ الثقات، کتب بنی فضال و افرادی که احمد بن محمد بن عیسی از ایشان روایت کرده، به عنوان دلیل و یا آماره بر وثاقت راویان از یک سو و بکارگیری گونه‌های متعدد در انجبار ضعف سند حدیث توسط شیخ انصاری از سوی دیگر را می‌توان تلاشی جدی در دفاع حداکثری از اعتبار روایات دانست به ویژه اخباری که در کتب اربعه و دیگر میراث متقدم امامیه نقل شده است.

۴. گونه‌های متعدد انجبار ضعف سند در آثار شیخ انصاری و تعدد بهره‌گیری از این شیوه‌ها در دفاع از اعتبار حدیث حکایت از جذب حداکثری روایات و یا رویکرد حداکثری به اعتبار روایات و گسترش حوزه و قلمرو روایات در استنباط فقهی دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن طاوس، علی بن موسی، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم، انتشارات رضی، بی‌تا.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *المهذب البارع*، به کوشش مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
- _____، *من لایحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، *رجال*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *أحكام الخلل فی الصلاة*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *الاجتهاد و التقليد (مطرح الأنظار)*، مقرر ابو القاسم کلانتری، قم، مؤسسه آل

البيت (ع)، بی‌تا.

- _____، *الاجتهاد والتقليد*، قم، کتابفروشی مفید، ۱۴۰۴ ق.
- _____، *القضاء والشهادات*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *رسالة فی الرضاع*، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
- _____، *رسالة فی الوصایا*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *فرائد الأصول*، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- _____، *کتاب الحج*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۵ ق.
- _____، *کتاب الخمس*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *کتاب الزکاة*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *کتاب الصلاة*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- _____، *کتاب الصوم*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *کتاب الطهارة*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *کتاب المكاسب المحرمة و البيع و الخيارات*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *کتاب النکاح*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، به کوشش محمد تقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- برقی، احمد بن محمد، *طبقات الرجال*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، *الحاشیة علی مدارک الأحکام*، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی تا.
- _____، *الفوائد الرجالية*، بی جا، بی نا، بی تا.
- _____، *حاشیة مجمع الفائدة و البرهان*، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، ۱۴۱۷ ق.
- _____، *مصابیح الظلام*، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، ۱۴۲۴ ق.
- تقی‌الدین حلی، حسن بن علی، *الرجال*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ ق.
- _____، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، مؤسسه آل البيت (ع) قم، ۱۴۰۹ ق.
- _____، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.

- خويي، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، بي جا، بي نا، ١٤١٣ ق.
- _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، ١٤١٨ ق.
- شهيد اول، محمد بن مكي، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٩ ق.
- شهيد ثاني، زين الدين بن علي، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ١٤٠٢ ق.
- شيخ بهائي، محمد بن حسين، الحاشية على من لا يحضره الفقيه، قم، ناشرايت الله مرعشي، ١٤٢٤ ق.
- _____، مشرق الشمسين و إكسير السعادتين (مجمع النورين و مطلع النيرين)، با تعليقات خواجهن مازندراني، به كوشش سيد مهدي رجائي، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ١٤١٤ ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، تحقيق عباس قوجاني، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بي تا.
- طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، نجف، انتشارات حيدريه، ١٣٨١ ق.
- _____، الإستبصار في ما اختلف من الأخبار، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٩٠ ق.
- _____، العدة في اصول الفقه، به كوشش محمدرضا انصاري قمي، قم، مطبعة ستاره، ١٤١٧ ق.
- _____، الغيبة، قم، مؤسسه معارف اسلامي، ١٤١١ ق.
- _____، الفهرست، نجف اشرف، المكتبة المرتضوية، بي تا.
- _____، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٥ .
- _____، رجال الشيخ الطوسي، انتشارات اسلامي جامعه مدرسين، ١٤١٥ ق.
- عاملي، محمد بن علي، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١١ ق.
- _____، خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال، قم، دار الذخائر، ١٤١١ ق.
- _____، منتهى المطالب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ ق.
- فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضي، معتصم الشيعة في أحكام الشريعة، تحقيق مسيح توحيدى، تهران، مدرسه عالي شهيد مطهرى، ١٤٢٩ ق.
- كشى، محمد بن عمر، رجال الكشى، انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٤٨.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٥ .
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق.
- _____، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (ع)، به كوشش سيد هاشم رسولى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٤ ق.

- _____، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، به کوشش سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهازدی و سید فضل الله طباطبائی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
- _____، *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، به کوشش محمد علی حیدری-سید مهدی شمس الدین-سید ابومحمد مرتضوی-سید علی موسوی، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۷ ق.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، *ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۲۴۷ ق.
- _____، *کفایة الأحکام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
- زراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعة فی أحکام الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، *خاتمة المستدرک*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.
- _____، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.